

Examination of the Differences in Muslim Treaties Across Various Regions of Iran During the Rashidun Caliphate

Khalil. Zarei^{1*}
Siavash. Yari²

1. *Corresponding author: Lecturer, Department of Religious Studies, Ilam University, Ilam, Iran
2. Department of History, Ilam University, Ilam, Iran

Email: khzarei@gmail.com | Received: 26.12.2022 | Acceptance: 01.03.2023

*Journal of
Socio-political studies of Iran's
contemporary history*

eISSN: 2980-9770
<https://journalspsich.com>
Vol. 1, No 4, Pp: 155-175
Winter 2023

Original research article

How to Cite This Article:

Zarei, K., & Yari, S. (2023). Examination of the Differences in Muslim Treaties Across Various Regions of Iran During the Rashidun Caliphate, *spsich*, 1(4): 155-175.



© 2023 by the authors. License Iran-Mehr: The Institute for Social Study and Research, Tehran, Iran. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0 license) (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>)

Abstract

One of the fundamental actions of Muslims during their conquests and entry into various regions was to write letters to the local officials, commanders, and inhabitants, inviting them to accept one of three propositions: conversion to Islam, payment of the jizyah (a tax), or warfare. Depending on the nature of the conquest of a city and the acceptance of the jizyah, there are two types of treaties: 1) agreements concluded after warfare and the opening of various regions, and 2) peace treaties made with people who were unwilling to fight or accept Islam, following the final opening of a city. The content of such treaties varied significantly from regions that were conquered through warfare. Analyzing and distinguishing between treaties of cities conquered (whether through peace or war) and the differing amounts of jizyah reveals that the content and terms of these documents and agreements differ based on the temporal, geographical, demographic, political, and religious contexts of the various regions. The aim of this research is to examine the points of divergence and differences in treaties using a descriptive-analytical method across different regions of Iran, one of the earliest areas conquered by Muslims during the Rashidun Caliphate.

Keywords: *Islam, conquests, Iran, treaties, differences and divergences, Rashidun Caliphate.*

بررسی وجوه افتراق عهدنامه‌های مسلمانان در مناطق مختلف ایران در دوران خلفای راشدین

خلیل زارعی^{۱*}
سیاوش یاری^۲

۱. مدرس گروه معارف دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

۲. گروه تاریخ، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران

khzareei@gmail.com

ایمیل نویسنده مسئول:

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰

دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۰۶

فصلنامه علمی مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران

شاپا (الکترونیکی): ۹۷۷۰-۲۹۸۰
https://journalspsich.com
دوره ۱ | شماره ۴ | صص ۱۷۵-۱۵۵
زمستان ۱۴۰۱

نوع مقاله: پژوهشی

به این مقاله به شکل زیر استناد کنید:

درون متن:

(زارعی و یاری، ۱۴۰۱)

در فهرست منابع:

زارعی، خلیل، و یاری، سیاوش. (۱۴۰۱).
بررسی وجوه افتراق عهدنامه‌های مسلمانان در
مناطق مختلف ایران در دوران خلفای راشدین.
مطالعات سیاسی-اجتماعی تاریخ معاصر ایران،
۱(۴): ۱۷۵-۱۵۵.

چکیده

یکی از اقدامات اساسی مسلمانان هنگام فتوحات و ورود به مناطق مختلف، نوشتن نامه برای کارگزار و فرمانده و مردم آن ناحیه و دعوت آن‌ها به قبول یکی از این سه پیشنهاد بود: پذیرش اسلام، پرداخت جزیه و جنگ. بسته به چگونگی فتح یک شهر و قبول پرداخت جزیه، با دو گروه از عهدنامه‌ها، مواجه هستیم: ۱- قراردادهایی که پس از جنگ و گشودن مناطق مختلف بسته می‌شد ۲- صلح-نامه‌هایی که در پی گشایش نهایی شهر با مردمی که حاضر به جنگیدن و پذیرش دین اسلام نبودند، منعقد می‌شد. مفاد این گونه قراردادهای، تا حدود زیادی متفاوت از مناطقی بود که با جنگ گشوده می‌شد. بررسی و تفکیک عهدنامه‌های فتح شده (چه با صلح، چه با جنگ) و مقدار متفاوت جزیه بر آن‌ها ما را به این نتیجه می‌رساند که محتوا و مفاد این اسناد و قراردادهای، بسته به موقعیت زمانی، جغرافیایی، جمعیتی، سیاسی و مذهبی مناطق مختلف، اختلافات و افتراقاتی با هم دارند. هدف این پژوهش بررسی نقاط افتراق و اختلاف عهدنامه‌ها به روش توصیفی - تحلیلی در مناطق مختلف ایران به عنوان یکی از اولین مناطق فتح شده بدست مسلمانان در دوره خلفای راشدین می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: فتوحات، ایران، قراردادهای، اختلاف‌ها و افتراق‌ها، خلفای راشدین.

مقدمه و بیان مسئله

از سیاست‌های فاتحان مسلمان در مواجهه با مناطق مورد هجوم در ایران، قبول جزیه از طرف ایرانیان، به شرط پرداخت مبلغ معینی در سال از طرف مردم یا نماینده و کارگزار آن‌ها بود. تحت این شرایط قرارداد صلح بسته می‌شد و هر دو طرف ملزم به رعایت مفاد آن بودند. با پذیرش شرایط پرداخت جزیه، دهقان، مرزبان یا حاکم محلی در مقام خود باقی می‌ماند و اتباع سرزمینش که همان کشاورزان بودند، جان و مالشان در سایه حکومت اسلامی در امنیت کامل تأمین می‌شد. در غیراین صورت، شهرهایی که با جنگ گشوده می‌شد، با تحمیل قراردادهایی یکجانبه از طرف مسلمانان، مواجه می‌گشت. گشایش تمام مناطق مفتوحه ایران از این دو حالت خارج نبود. در منابع متقدم و تألیفات جدید، دلایل زیادی برای صلح ایرانیان ذکر شده است. دلایلی چون رفتار مسلمانان در مواجهه با مقاومت مردم و گشودن شهر با جنگ زیرا برخی از فاتحان از همان ابتدا، در مواردی آشکارترین قوانین انسانی و اخلاقی را نقض می‌کردند. هنگامی که خبر رفتارهایی چون قتل اسرا (طبری، ۱۳۸۷ق، ۳/۳۵۶-۳۵۷) و یا دزدیدن عروس از مراسم عروسی (یعقوبی، بی-تا، ۱۴۴/۲) به مردم می‌رسید یا ساکنان، خود در جریان محاصره شهرهایشان شاهد چنین رفتارهایی بودند ترجیح می‌دادند که برای صلح پیشقدم شوند تا بتوانند از آسیب‌های ناشی از فتح شهرها از طریق جنگ (عنوه)، تا حد امکان بکاهند. (دهقان-پور، معصومی، ۱۳۹۱، ۷۶)

بیشتر مناطق ایران در آغاز حملات مسلمانان ایستادگی کردند بویژه وقتی فتوحات بعد از شکست قطعی حاکمیت ساسانی به بخش‌های درونی ایران رسید، اغلب با مقاومت مردم روبرو شد بویژه در اهواز و فارس و پس از تحمل آسیب‌های جدی و کشتار و غارت مردم تسلیم می‌شدند و پیمان صلح برقرار می‌شد. (ترکمنی-آذر، ۱۳۸۷، ۷۵) این مناطق به علت ضعف نظامی و تاکتیکی و نبود انگیزه کافی و نیز روحیه و انگیزه قوی مسلمانان نتوانستند کاری از پیش ببرند. با این وجود حتی چنین شرایطی، انگیزه‌ای برای گرایش مردم به اسلام نشد و در عوض حاضر به پرداخت جزیه شدند. مفاد قراردادهای مربوط به مناطق مفتوحه از طریق جنگ

متفاوت از شرایط عهدنامه‌های مربوط به مناطق فتح شده از طریق صلح بود. گرچه در خود عهدنامه‌هایی که با صلح یا جنگ در مناطق مختلف ایران بسته می‌شد عوامل دیگری از جمله مقتضیات زمان، مکان، فرمانده سپاه، آمال و آرزوهای فرمانده یا عامل حکومت، وسعت سرزمین و نیز جمعیت و آبادانی آن سرزمین، تفاوت‌هایی در مفاد آن‌ها ایجاد می‌کرد که البته بررسی مفاد این عهدنامه‌ها سبب پی بردن به تفاوت‌های سیاسی، اقتصادی، نژادی، فرهنگی و مذهبی آن زمان می‌گردد.

در حوزه تحقیقات جدید، کتاب مفصلی که به عهدنامه‌های زمان خلفای راشدین پرداخته باشد کتاب محمد حمیدالله است با عنوان "نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام". در این کتاب، نامه‌ها و مکاتبات خلفا به فرماندهان خود به صورت مفصلی آمده است اما این گزارشات در حد توصیف قراردادهای می‌باشد و هیچ‌گونه تحلیلی در مورد شرایط و تأثیرات عهدنامه‌ها ارائه نشده است. مقالاتی که درباره عهدنامه‌ها یا حول محور آن در زمان فتوحات دوره خلفای راشدین به رشته تحریر درآمده‌اند عبارتند از مقاله آقای صفری‌فروشان با عنوان "درآمدی بر صلح‌نامه‌های مسلمانان با ایرانیان در آغاز فتح ایران". در این مقاله کمتر به تحلیل اوضاع ایران در زمان فتوحات و تأثیر آن‌ها بر نوشتن مفاد عهدنامه‌ها پرداخته شده است. مقاله "تحلیلی بر قراردادهای صلح مسلمانان با ایرانیان" خانم دکتر پروین ترکمنی‌آذر که به بررسی قراردادهای صلح به منظور مشخص کردن اساس و پایه تنظیم این قراردادها و تغییرات آن‌ها با گذر زمان می‌پردازد. بطور کلی در این مقاله به چگونگی فتح ایران و رفتار فرماندهان مسلمانان پرداخته شده و کمتر ذکری از جزییات و تفاوت‌های عهدنامه‌ها به میان آمده است. مقاله "انگیزه‌های اقتصادی و دینی ایرانیان در مصالحه با عرب‌ها در قرن نخست، براساس عهدنامه‌ها" نوشته محسن معصومی. بر طبق گفته این مقاله، انگیزه کسب منافع اقتصادی یا دفع ضررهای مادی و نیز تلاش برای دستیابی به امنیت مالی و جانی، در تمایل ایرانیان به مصالحه با عرب‌ها بیشترین سهم را داشته است. ایشان برای اثبات این نظریه به عهدنامه‌هایی می‌پردازد که مفاد مهم آن تأمین امنیت

جانی و اقتصادی است و کمتر به حفظ دین و مقدسات خود اشاره کرده‌اند. نویسنده شروط ایرانیان در مفاد عهدنامه‌ها را به صورت خلاصه آورده است.

محدوده‌ی جغرافیایی

محدوده جغرافیایی حکومت ساسانیان در زمان حمله مسلمانان، از این قرار بود:

۱- کور جبل (جبال)

شامل شهرهای طبرستان، ری، قزوین، زنجان، قم، اصفهان، همدان، نهاوند، دینور، حلوان، ماسبدان، مهرجانقدق، شهر زور، صامغان و آذربایجان. استاندار این ناحیه را اسپهبد آذربایجان و کرمان می‌نامیدند.

۲- کور خراسان

شامل شهرهای نیشابور، هرات، مرو، مرو رود، فاریاب، طالقان، بلخ، بخارا، بادغیس، غرجستان، طوس، سرخس، جرجان و باورد (ابیورد). به استاندار این ناحیه، اسپهبد خراسان می‌گفتند.

۳- کور عراق

شامل ۴۸ منطقه کوچک‌تر که اسامی بعضی از آن‌ها چنین است: بادوریا، انبار، بهرسیر، زاب (اعلی، اسفل و اوسط)، میسان، کوئی، بابل، جلولا، نهروان و مدائن. به عامل این ناحیه، اسپهبد مغرب می‌گفتند.

۴- کور فارس و اهواز

شامل شهرهای اصطخر، شیراز، رجان، نوبندجان، گور (فیروزآباد)، کازرون، فسا، دارابجرد، اردشیر خره و شاپور از منطقه فارس و جندی‌شاپور، شوش، نهرتیری، منادر، شوشتر، ایزده و رامهرمز از منطقه اهواز که به عامل هر دو ناحیه، اسپهبد فارس می‌گفتند. (یعقوبی، ۱۴۲۲م، ۱/ ۱۷۷، ۱۷۶)

مسلمانان بخاطر شرایط جغرافیایی و نزدیکی به شبه جزیره العرب، فتوحات خود را از کور عراق شروع کردند. در این مناطق اعراب مسیحی و زردشتیانی زندگی می‌کردند که تابع پادشاهان ساسانی بودند. این منطقه به نام "سواد" معروف بود و در اهمیت آن همین بس که پادشاهان ایران آن را "دل ایران‌شهر" یعنی قلب عراق

می‌نامیدند. (ابن‌خرداذبه، ۱۸۸۹م، ۵) در تقدم زمانی فتح و گشایش این نواحی در منابع اختلاف نظر وجود دارد.

معاهده‌ی بانقیا، باروسما و ایس سال ۱۲ هجری

طبری اولین برخورد مسلمانان در عراق را بین سپاه خالد بن ولید به رهبری جریر بن عبدالله بجلی و بصب بن صلوبا رئیس روستاهای بانقیا، باروسما و ایس می‌داند. چنین می‌نماید که بین دادویه بن فرخان فرمانده ایرانی سپاه بانقیا و بصبه‌ری (بصب) بن صلوبا مرزبان این ناحیه، بر سر تسلیم ناحیه به اعراب اختلاف نظر بوده‌است؛ زیرا دادویه با آمدن مسلمانان، به نزد یزدگرد سوم فرار کرده و در پی آن بصب صلح نامه‌ای با مسلمانان امضا می‌کند. (طبری، ۱۳۸۷، ۳/۳۴۳)

در مورد صلح نامه‌هایی که با نواحی بانقیا، باروسما (بسما) و ایس بسته شد، در منابع برجای مانده نام دو تن ذکر شده است صلوبا بن نسطونا و پسرش بصب بن صلوبا. دو مورد از این صلح نامه‌ها با بصب منعقد گشت و مورد دیگر با پدرش صلوبا. البته در عهدنامه‌ی بانقیا به صورت کاملاً روشنی گفته می‌شود که صلوبا بن نسطونا سالار قوم خود است و جایگاه او در مقام ریاست قوم خود، ابقا می‌شود (همان، ۳/۳۶۸) احتمالاً وی پسرش را برای رسیدگی به دیگر مناطق تحت نفوذ خود فرستاده‌است و زمان آمدن مسلمانان به بانقیا، بصب به نیابت از پدرش با آن‌ها، قرارداد صلح بسته است، سپس پدر وی صلوبا بن نسطونا، آن را تصدیق کرده است. گویا متن عهدنامه، تأییدنامه‌ای است از سوی فرمانده بالادست، برای نوشته‌ای که فرمانده زبردست، برای مردم امضا کرده است. (حمیدالله، ۱۳۷۷، ۴۴۹)

یکی از تفاوت‌هایی که در عهدنامه‌های پدر و پسر مشاهده می‌گردد مربوط به مقدار جزیه است. صلوبا بر پرداخت ده هزار درهم به عنوان جزیه موافقت کرد. "هر سر، چهار درهم" (طبری، ۱۳۸۷، ۳/۳۴۴) با فرض صحت داشتن اعدادی که طبری ذکر می‌کند، تعداد مردان بالغی که بر آن‌ها جزیه تعلق گرفت حدوداً دو هزار و پانصد نفر بوده‌است. احتمالاً این مقدار جزیه با رایزنی صلوبا، تعیین شده زیرا در قرارداد آمده که توانگران و فقیران، به میزان استطاعت مالی خود، جزیه پرداخت کنند. در عهدنامه‌ای که با بصب امضا می‌شود این گزینه ذکر نشده‌است. خالد، با بصب

(بصبهری) بن صلوبا قراردادی مبنی بر پرداخت هزار درهم و یک طیلسان (بلاذری، ۱۹۸۸، ۲۴۲ و طبری، ۱۳۸۷، ۳/ ۳۴۶) منعقد کرد. در قرارداد با صلوبا، گوهرها و جواهرات خاندان سلطنتی مشمول جزیه نشده و در زمره املاک خالصه به حساب آمدند. (طبری، ۱۳۸۷، ۳/ ۳۶۷) البته ناگفته نماند که ابن‌اعثم کوفی مقدار جزیه بانقیا را صد هزار درهم ذکر می‌کند. وی نیز مانند بلاذری معتقد است فتح بانقیا پس از تصرف حیره، بوده است. (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱، ۱/ ۷۸)

در مورد منطقه‌ی الیس، شرط صلح بین جابان (فرمانده‌ی سپاه آن منطقه) و خالد بن ولید، پرداخت هزار درهم بود. (طبری، ۱۳۸۷، ۳/ ۳۴۶) گرچه طبری در روایتی دیگر می‌گوید که فتح الیس به جنگ بوده و خالد دست به کشتار مردم زد تا حدی که جوی خون راه انداخت. گفته شده که نزدیک به هفتاد هزار نفر کشته شدند (که عددی اغراق آمیز است). با این فتح، غنایم بسیاری نصیب مسلمانان شد. (طبری، ۱۳۸۷، ۳/ ۳۵۷-۳۵۸) شاید این تناقض را بتوان این‌گونه توجیه کرد که جابان حکمران عجم الیس و سپاهش که ایرانی بودند با سپاه مثنی بن حارثه جنگیدند. ولی مردم الیس، که ابتدا مقاومت کردند، در آخر حاضر به مصالحه شدند. (بلاذری، ۱۹۸۸، ۲۴۰) مقدار جزیه اندکی که بر این نواحی سواد تعیین گردید، در مقایسه با دیگر عهدنامه‌هایی که بعدها در سواد (مثل عهدنامه بهقباد)، بسته شد، نشان دهنده وسعت، جمعیت و ثروت کمتر این مناطق در عراق بوده است. البته مسلمانان، سعی می‌کردند تا حد امکان، خواسته‌های منطقی و عقلانی خود را در متن قراردادها بگنجانند و از چارچوب قراردادها فراتر نروند.

معاهده‌ی حیره سال ۱۲ هجری

حیره که به قول یعقوبی منازل خاندان بقیله بوده است (یعقوبی، ۱۳۵۶، ۸۸) دارای قصرها و قلعه‌های مهمی بود و هرکدام از این قلعه‌ها توسط فرد بزرگی اداره می‌شد. حیریان در مواجهه با مسلمانان و پیشنهاد قبول اسلام و دادن جزیه و جنگ، مقاومت را ترجیح دادند. در نتیجه این قلعه‌ها، هرکدام توسط فرمانده مسلمانان محاصره شد که در نهایت به تسلیم آنان منجر شد. (حموی، ۱۴۱۴ق، ۲/ ۵۲۱؛ طبری، ۱۳۸۷، ۳/ ۳۴۵-۳۴۶) دیگر قلعه‌ها نیز با دیدن این وضعیت دست از مقاومت

کشیدند و با خالد صلح کردند. جزیه‌ای بالغ بر صدونود هزاردرم از مشغولان دنیا به جز غیر شاغلان تارک دنیا و غیرشاغل و گذشته از دنیا یا سیاح تارک دنیا در قبال محافظت آن‌ها و اگر به کردار یا گفتار پیمان بشکنند در پناه مسلمانان نباشند. (طبری، ۱۳۸۷، ۳/۳۶۴) خالدبن‌ولید پس از جمع‌آوری خراج، آن اموال را برای ابوبکر فرستاد و این اولین خراجی بود که از سرزمین عجم به مدینه فرستاده شد. (ابن‌اعثم، ۱۳۷۲، ۵۳) از سرعت عمل جمع‌آوری و فرستادن این مقدار خراج به مدینه می‌توان به کثرت، ثروت و آبادانی منطقه حیره پی برد.

بار دوم مثنی بن حارثه در پی پیمان‌شکنی مردم حیره، عهدنامه‌ی جدیدی با آنان منعقد کرد. از مفاد عهدنامه دوم بر می‌آید که مردم حیره از شرایط قرارداد قبلی ناراضی بودند به همین دلیل مقدار جزیه تعیین شده از ۱۹۰ هزاردرهم به ۶۰ هزار درهم کاهش یافت. علاوه بر آن افراد پیر و ناتوانی که قادر به پرداخت جزیه نبودند و توانگرانی که مشکل مالی پیدا کرده بودند از پرداخت جزیه معاف گشته و هزینه‌ی این افراد و خانواده‌شان، تا هنگامی که میان مسلمانان و شهرهای مسلمانان زندگی می‌کردند، از خزانه مسلمین پرداخت می‌شد. علاوه براین در عهدنامه قید شد، بردگانی که مسلمان می‌شوند، با قیمت و بهای گرانتری از بردگان غیرمسلمان فروخته شوند. (طبری، ۱۳۸۷، ۳/۳۶۴-۳۶۵)

شروط اعراب برای ایرانیان در عهدنامه حیره، از این قرار بود: ایرانیان باید به مفاد عهدنامه پایبند بمانند، با مسلمانان مخالفت و دشمنی نکنند، هیچ کافری را برضد مسلمانی یاری ندهند (چه مسلمان عرب و چه غیرعرب) و کافران (غیر مسلمانان) را بر امور پوشیده و مخفی مسلمانان راهنمایی نکنند. احتمالاً در عهدنامه اول مردم حیره این موارد را رعایت نکردند که اعراب در این عهدنامه به روشنی و صراحت خواستار انجام آن از طرف ایرانیان شده‌اند. در این عهدنامه جزییات بیشتری درباره قواعد رفتار مردم حیره آمده است. حتی در مورد پوشش مردم قید شد که نباید شبیه مسلمانان لباس بپوشند و در صورت استفاده از اسلحه و لباس جنگ و رزم، مجازات می‌شوند. نکته قابل تأمل در این عهدنامه انتخاب عامل و کارگزار مأمور

جمع‌آوری جزیه از بین مردم حیره است که در دیگر عهدنامه‌هایی که با ایرانیان بسته شد عامل و کارگزار از خود مسلمانان انتخاب می‌شد. (طبری، ۱۳۷۸، ۳/۳۶۹) حیره بار سوم توسط سعدبن ابی‌وقاص پس از شکستن پیمان فتح شد. سعد، جزیه-ای به مبلغ چهارصد هزار درهم بر آن‌ها مقرر کرد البته غیر از املاکی که با جنگ گرفته شده بود (ابن‌اثیر، ۱۳۷۱، ۸/۱۱۵) شاید بتوان آبادانی و نخلستان‌های فراوان حیره (مقدسی، ۱۳۶۱، ۱/۱۶۱) را از دلایل اصلی وضع خراج نسبتاً سنگین مسلمانان بر اهالی حیره دانست. در بررسی عهدنامه حیره چند نکته حائز اهمیت می‌باشد:

یکی از نکات مهم این عهدنامه که در عهدنامه‌های قبلی سواد نیست، شروط دینی ایرانیان است. در این عهدنامه، از طرف ایرانیان شروطی مبنی بر حفظ دین نیاکان و آیین و رسوم خود و تعهد مسلمانان بر حفظ قصرها و کلیساها و عدم تخریب آن‌ها آمده که مسلمانان ملزم به رعایت این مورد شدند. (بلاذری، ۱۳۳۷، ۳۴۷) بعلت سکونت تعداد زیادی مسیحی که به آن‌ها "عباد" می‌گفتند در منطقه حیره (یعقوبی، ۱۳۵۶، ۱۵۳) بالتبع مسلمانان نمی‌توانستند این مسیحیان را نادیده بگیرند. علاوه بر آن رحم و رأفت اسلامی، مسیحیان ناتوان در پرداخت جزیه را از این امر معاف می‌کرد.

اما نقطه مشترک این عهدنامه‌ها شرط جاسوسی برای اعراب و عدم توطئه بر ضد مسلمان‌هاست. در مناطق هم‌مرز با سرزمین اصلی ایران، که شهرها و مناطق سرحدی سواد بودند، خالدبن ولید، هنگام عقد قرارداد با آن‌ها شرط می‌کرد که برای اعراب مسلمان، جاسوسی کنند و بخاطر عدم آشنایی‌شان با این مناطق، راهنما و بلد آن‌ها در راه‌ها باشند. خالد دو شرط مذکور را به طور خاص در عهدنامه‌ی الیس نیز گنجانده. (بلاذری، ۱۳۳۷، ۳۴۷؛ طبری، ۱۳۷۵، ۴/۱۴۸۲) با بررسی عهدنامه‌هایی که مسلمانان با ایرانیان بستند متوجه می‌شویم شرط جاسوسی برای اعراب مسلمان فقط در عهدنامه‌های کور عراق (بجز بهقباد پایین و میانه) ذکر شده است که البته هم‌نژادی ساکنان مناطق سواد با اعراب مسلمان را می‌توان یکی از دلایل مهم همکاری آن‌ها با مسلمانان دانست. همان‌طور که جوادعلی در کتاب خود ذکر کرده،

قرن‌ها پیش از ظهور اسلام قبایل عربی که از داخل جزیره، به سوی عراق مهاجرت کردند، به تدریج محیط را عربی نموده و به "اعراب فرس" شهرت یافتند. (جوادعلی، ۱۴۱۲ق، ۳/ ۱۶۲ و ۱۶۵) در متون تاریخی از سکونت تازیان در حیره و انبار مطالبی آمده و این که حیره تختگاه آل لخم از قوم عرب بوده و تا مدت‌ها تحت نظارت ساسانیان اداره می‌شده است (حموی، ۱۴۱۴ق، ۲/ ۳۲۸-۳۳۱؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۵، ۵۰) مشترکات اعراب سواد با مسلمانان (طبری، ۱۳۸۷، ۳/ ۴۵۹-۴۶۰ و ۳/ ۵۰۸-۵۰۹) زمینه را برای همکاری مردم سواد با اعراب مسلمان فراهم کرد. نمونه‌هایی از همکاری اهالی سواد با مسلمانان در فتوحات ایران در منابع آمده‌است. (بلاذری، ۱۹۸۸، ۲۴۸، طبری، ۱۳۸۷، ۳/ ۴۵۹-۴۶۰) بی‌گمان هم نژادی مردم این نواحی با مهاجمان، علی‌رغم اختلافات دینی و مذهبی، یکی از دلایل مهم همکاری با آن‌ها بود. البته نمی‌توان تنها دلیل همکاری و روابط صلح‌آمیز در این منطقه از حکومت ساسانی را همین عامل دانست. در عراق، بستن پیمان‌های مربوط به مالیات اتباع، بیشتر از جنگ‌های مکرر، معمول بود و همین امر، یکی از دلایل برقراری روابط صلح‌آمیز بین اهالی این نواحی با اعراب مسلمان شد. (گرشاسپ-چوکسی، ۱۳۸۱، ۲۸)

معاهده‌ی بهقباد پایین و بهقباد بالا سال ۱۲ هجری

در این عهدنامه علاوه بر نکات مشترک عهدنامه‌های ذکر شده، چیزی که بسیار چشمگیر است مقدار جزیه بود که بالغ بر دو میلیون درهم در سال می‌شد (طبری، ۳، ۱۳۸۷/ ۳۶۸-۳۶۹) این مقدار زیاد جزیه‌ای که خالد بر این نواحی بست در مقایسه با عهدنامه‌های دیگر سواد نشان از وسعت، ثروت و جمعیت زیاد این مناطق دارد. عامل رونق کشاورزی و زراعت و فراوانی محصول در این ناحیه، رود فرات، بود. عمر دستور داد از زمین‌های کشاورزی، بر اساس هر جریب و با توجه به نوع محصول، مالیات بگیرند. وی زمین‌های اهل سواد را به خودشان واگذار کرد و جزیه سرانه و خراج ارضی برایشان تعیین کرد و عثمان بن حنیف را به مساحی سواد فرستاد. عثمان، مساحت سواد را سی و شش هزار هزار جریب ارزیابی کرد (بلاذری، ۱۹۸۸، ۲۶۴-۲۶۵)

معاهده‌ی شوش سال ۱۷ هجری

در راستای فتوحات مسلمانان، ابوموسی اشعری به فرمان عمر به سمت جنوب ایران لشکرکشی کرد. شیرویه مرزبان شوش، پیشقدم صلح شد و دیداری با ابوموسی ترتیب داد، نکته مهم این دیدار، تحمیل شرایط صلح شیرویه به نمایندگی از اهالی شوش به مسلمانان است: مسلمانان باید مبلغ چشمگیری در ازای همکاری به او پرداخت کنند، اهالی شوش بتوانند با هر قبیله‌ای از مسلمانان که می‌خواهند پیمان ببندند، در صورت جنگ مردم شوش فقط با عجم‌های حوزه‌ی خود بجنگند نه با عرب‌ها. در این عهدنامه، مقدار وجه المصلحه ذکر نشده است و بر اساس توانایی افراد بالغی که قادر به حمل سلاح بودند تعیین گردید. (طبری، ۱۳۸۷، ۴/ ۹۰-۹۱) دقت در مفاد عهدنامه، هم نژادی و همکاری اهالی این مناطق با اعراب را بخوبی مشخص می‌سازد. نکته‌ی حائز اهمیت دیگر آن‌که در بیشتر عهدنامه‌هایی که در حوزه‌ی اصلی ایران بسته شد عدم ذکر مقدار جزیه و وجه‌المصلحه بود.

معاهده‌ی ماه بهراذان و ماه دینار سال ۱۹ هجری

ماه بهراذان، بخشی از نهاوند بود (حموی، ۱۹۹۵، ۴۹/۵) که توسط نعمان بن مقرن فتح شد. وی عهدنامه‌ای با اهالی آن‌جا بست. عمده اختلاف این عهدنامه با عهدنامه‌های قبلی شامل موارد زیر بود: عدم تعیین مقدار جزیه و پرداخت آن به اندازه توانایی افراد، هدایت در راه‌ماندگان مسلمان، تعمیر و ترمیم جاده‌ها و پذیرایی به مدت یک شبانه‌روز از سپاهیان مسلمانی که از سرزمین آن‌ها می‌گذرند. علاوه بر این مردم تحت انقیاد، مکلف بودند در انجام مقاصد و اهداف مورد نظر مهاجمان عرب مسلمان، به آن‌ها کمک کنند. (طبری، ۱۳۸۷، ۴/ ۱۳۶-۱۳۷) آنچه که در این عهدنامه به صورت مشخصی جلوه می‌کند تأکید ایرانیان بر حفظ آزادی در انجام امور مذهبی است از آن‌جا که نهاوند یکی از کانون‌های اصلی دین زرتشتی و محل سکونت تعداد زیادی از زرتشتیان بود. در ماه محرم همان سال، حذیفه بن یمان با مردم ماه‌دینار (از نام‌های شهر نهاوند. بلاذری، ۱۹۸۸، ۲۹۹)، عهدنامه‌ای مشابه عهدنامه ماه بهراذان بست.

معاهده‌ی اصفهان و مناطق اطراف سال ۲۱ هجری

لشکرکشی عبدالله بن قیس به حوزه حکومتی اصفهان منجر به جنگ و تصرف نواحی اطراف اصفهان شد. مؤلف تاریخ قم معتقد است فتح بیشتر نواحی اصفهان حتی قم که زیر نظر آن اداره می‌شد به جنگ بوده است. وی از مؤلف کتاب همدان روایت می‌کند، تمام بلاد جبال با جنگ و استیلا فتح شده است. (قمی، ۱۳۶۱، ۲۵-۲۶) در چنین شرایطی که مقاومت بی‌فایده بود، پاذگوسپان (فادوسقان) حاکم اصفهان، شرط پرداخت جزیه که از طرف عبدالله به او پیشنهاد شده بود را بر جنگیدن ترجیح داد. با وجود این که حاکم اصفهان تن به صلح داد، امضای معاهده صلح را در گرو پذیرش شروط زیر از جانب مسلمانان دانست. مسلمانان نیز با توجه به اهمیت نقش اصفهان در فتوحات بعدی (بلاذری، ۱۹۸۸، ۲۹۶) شرایط صلح را پذیرفتند. پاذگوسپان از مسلمانان خواست اختیار اموالش همانند سابق به عهده خودش باشد. وی خواستار برگرداندن زمین‌های مردمی شد که مسلمانان به جنگ تصرف کرده بودند. حاکم اصفهان، همچنین اختیار ماندن یا رفتن افرادی که حاضر به پرداخت جزیه نبودند را جزو شرایط خود قرار داد. تعدادی از مردم اصفهان که مخالف این صلح بودند با کمک این شرط و با هدف شورش به کرمان رفته و به سپاه یزدگرد پیوستند. (طبری، ۱۳۸۷، ۴/۱۴۰-۱۴۱) اما شرایطی که ایرانیان ملزم به تعهد به آن‌ها بودند از این قرار بود: هیچ مسلمانی را مورد تجاوز و ظلم قرار ندهند، نیکخواه آن‌ها باشند و جزیه را بطور مرتب پرداخت کنند. (همان، ۱۳۸۷، ۴/۱۴۰-۱۴۱) هرچه مسلمانان به نواحی داخلی ایران بیشتر نفوذ می‌کردند، مفاد عهدنامه‌های آن‌ها به سمت جزییات و سختگیری و تأمین امنیت و رفاه مسلمانان می‌رود. زیرا این نواحی بیشتر به مراکز قدرت دینی و سیاسی ساسانیان نزدیک بود و علیه مهاجمان عرب، واکنش نشان می‌دادند. ایجاد دودستگی و بدبینی بین مردم از بند تسلیم و سپردن ایرانیانی که قوانین عهدنامه‌ها را رعایت نمی‌کردند به مسلمانان به خوبی مشخص است. ایرانیان برای در امان ماندن از صدمات این گونه رفتارها به ناچار تن به خواسته‌های اعراب مسلمان می‌دادند.

معاهده‌ی ری ۲۲ هجری

طرف مذاکره‌کننده مسلمانان، نعیم‌بن‌مقرن بود که با زینبی‌بن‌قوله از دهقانان بانفوذ ری، پیمان صلح بست. زینبی، همان کسی است که بخاطر حسادت و دشمنی با سیاوخش پادشاه ری، از راه مخفی، شبانه سپاهیان اسلام را وارد شهر نمود و باعث سقوط این شهر شد. زینبی از طرف مردم ری با نعیم صلح کرد و در ازای این خدمت، نعیم او را مرزبان ری نمود. (طبری، ۱۳۸۷، ۱۵۰/۴ و مسکویه، ۱۳۷۹، ۳۹۷/۱) با دقت در مفاد عهدنامه ری می‌توانیم دلیل اقدام زینبی را متوجه شویم. وی که به قول طبری ضرب شصت مسلمانان را دیده بود (همان، ۴، ۱۳۸۷/۱۵۰) حداقل کاری که می‌توانست در برابر تهاجمات اعراب مسلمان، انجام دهد جلوگیری از تلفات جانی بیشتر و به تاراج رفتن سرزمین ری بود. عهدنامه ری از معدود عهدنامه‌های ایرانیان است که در آن مقدار جزیه، مشخص شده است زیرا مقدار جزیه، به اندازه‌ی توان هر فرد بالغ، به مبلغ پانصد هزار درهم مقرر گردید به این شرط که احدی از ایرانیان کشته و به بردگی گرفته نشود، و مسلمانان کاری به آتشکده‌های ایرانیان، نداشته باشند. (بلاذری، ۳۱۰، ۱۹۸۸) با توجه به وجود آتشکده‌های متعدد در ری و اهمیت آن‌ها نزد مردم، طبیعی بود که اهالی، بندی مبنی بر عدم ویرانی آتشکده‌ها در عهدنامه بگنجانند.

معاهده‌ی دماوند و نواحی اطراف آن سال ۲۲ هجری

پس از صلح مردم ری با مسلمانان، مردانشاه، ممصغان (حاکم و بزرگ) نواحی دماوند، خواهان صلح با نعیم‌بن‌مقرن شد به شرط پرداخت دویست هزاردرهم به عنوان جزیه به مسلمانان. احتمالاً مردانشاه، مقاومت که مقاومت در برابر اعراب را بی‌فایده می‌دید پیشقدم صلح شد، تا حداقل استقلال سرزمین خود را حفظ کرده باشد. در این عهدنامه، به صراحت و روشنی از مردانشاه خواسته می‌شود که مردم مناطق محدوده خویش را از دشمنی با مسلمانان بازدارد و پیمان‌شکن را تحویل آن‌ها دهد تا از ناحیه مسلمانان آسیبی متوجه او نشود. علاوه براین، نکته متفاوتی که در عهدنامه‌های قبل از آن مشاهده نمی‌شود این است که مسلمانان بدون اجازه

مردانشاه نمی‌توانستند، وارد قلمرو او شوند. (طبری، ۱۳۸۷، ۱۵۱/۴) که نشان از استقلال حاکم این نواحی دارد.

معاهده‌ی گرگان سال ۱۸ یا ۲۲ هجری

عهدنامه گرگان نیز توسط سوید بن مقرن با رزبان صول حاکم گرگان، منعقد شد. رزبان صول نیز همانند مردانشاه، خواهان صلح با مسلمانان بود. وی به استقبال سوید به خارج از شهر رفت. (همان، ۴، ۱۳۸۳/۱۵۲) رزبان به رایزنی با سوید درباره کمک به مسلمانان در جنگ از طریق نشان دادن مناطق نفوذ به آن‌ها پرداخت. سوید با کمک ترکان این رخنه‌گاه‌ها را بست و همین افراد را به مرزبانی آن‌جا گماشت. در ازای آن رزبان از سوید خواست از کسانی که به حفاظت از مرزها، مشغول بودند، خراج نستانند که مورد موافقت سوید قرار گرفت. (مسکویه، ۱۳۷۹، ۳۹۸/۱-۳۹۹)

تفاوت این عهدنامه با دیگر عهدنامه‌ها در این است که در این عهدنامه ذکر شده هر فردی ایرانی در صورتی که به مسلمانان در جنگ‌ها یاری رساند، پرداخت جزیه از او ساقط می‌شود. (همان، ۴، ۱۳۸۳/۱۵۲) این گزینه بعدها در عهدنامه‌ی آذربایجان نیز گنجانده شد. دیگر مفاد این عهدنامه شبیه عهدنامه‌هایی است که با مردم ری و اصفهان بسته شد. در این عهدنامه نیز مقدار جزیه ذکر نشده است. چیزی که این میان جلب توجه می‌کند مربوط به بند امان‌نامه است که ایرانیان به این عهدنامه اضافه کردند. این امان‌نامه شامل اشخاصی که نه اسلام می‌آوردند و نه جزیه می‌پرداختند، نیز می‌شد و این افراد که از شهر بیرون می‌رفتند تا هنگامی که به محلی امن برسند در امنیت کامل بودند و از جانب مسلمانان آسیبی متوجه آن‌ها نبود. (همان، ۱۳۸۷، ۱۵۲/۴)

معاهده آذربایجان سال ۱۸ یا ۲۲ هجری

صلح‌نامه مسلمانان با مردم آذربایجان و ذکر عبارتی نظیر "پیروان همه ادیان آن سرزمین" (همان، ۱۳۸۷، ۴/۱۵۵) و پذیرش آزادی دین و رسومات مذهبی (چون برگزاری اعیاد و رقص و پای‌کوبی) و عدم تخریب آتشکده‌ها (بلادری، ۱۹۸۸، ۳۱۷) از طرف مسلمانان، چند مسأله را نشان می‌دهد. نخست این که در زمان ساسانیان،

پیروان ادیان زیادی در آذربایجان مخصوصاً در منطقه اردبیل که آتشکده معروف تخت سلیمان یا شیز که جایگاه آتش مقدس آذرگشنسب بود (همان، ۱۹۸۸، ۳۱۷) زندگی می‌کردند که به آن‌ها آزادی‌های دینی و مذهبی داده شده بود. این آتشکده نشانه اتحاد و یگانگی دین و دولت و سمبل دولت ساسانیان بشمار می‌رفت و از اهمیت خاصی نزد پادشاهان ساسانی و عموم مردم برخوردار بود (کریستن سن، ۱۳۸۷، ش ۱۷۷) این اهمیت به رسوم و آیین دینی که مردم شیز خواهان آن بودند و در عهدنامه خود با مسلمانان گنجانده شد، گذشته از بیان انگیزه‌ی دینی، متضمن نکته‌ای بسیار مهم است و نشان می‌دهد که توجه ایرانیان به آداب و رسوم گذشته خود، بیش از اهتمامشان به دین رسمی بوده است. (معصومی و دیگران، ۱۳۹۶، ۱۶) معصومی معتقد است تأکید بر عدم تخریب و ویرانی آتشکده‌ها، بیشتر ناظر بر انگیزه‌های اقتصادی بوده است تا انگیزه‌های دینی. زیرا علاوه بر اموال بسیار آتشکده‌ها، حفظ آن‌ها به انباشت ثروت و اموال حاکمان و موبدان می‌انجامید چرا که طبیعتاً مردم طبق رسوم قدیم خود، به تقدیم اشیاء و اموال، به عنوان نذر به آتشکده‌ها مبادرت می‌ورزیدند. (همان، ۱۳۹۶، ۱۷) البته در عهدنامه مسلمانان با اهالی این منطقه همه خواسته‌های آن‌ها لحاظ شد، مشروط بر این که اهالی جزیه بپردازند، البته افرادی چون کودکان، زنان، بیماران و عابدان از پرداخت آن معاف شدند. نکته مهم دیگری که در این عهدنامه به چشم می‌خورد، گزینه برداشته شدن جزیه از شخص به مدت یک سال در صورت شرکت و همکاری با مسلمانان در جنگ‌ها بود. (طبری، ۱۳۸۷، ۴/ ۱۵۵) مورد مهم دیگر این عهدنامه که در تاریخ طبری نیامده است بندی است در مورد کردهای این منطقه که مرزبان آذربایجان در عهدنامه گنجانده شد: مسلمانان متعرض کردهای منطقه بلاسجان و سبلان و ساترودان نشوند. (بلاذری، ۳۱۷، ۱۹۸۸) همانطور که منابع اشاره می‌کنند تعداد زیادی کرد در این مناطق از جمله شهر اشنه (ابن حوقل، ۱۹۳۸، ۲/ ۳۳۶) و ابهر (همان، ۱۹۳۸، ۲/ ۳۶۰) زندگی می‌کردند.

معاهده‌ی طبرستان و گیلان سال ۱۸ یا ۲۲ هجری

طبرستان، سرزمینی در شمال ایران و تحت حاکمیت حوزه‌ی خراسان بود. (یعقوبی، ۱۴۲۲، ۹۱) در ادامه‌ی فتوحات، سویدبن مقرن، از طرف مسلمانان به فتح این مناطق اعزام شد. وی، با فرخان، سپهبد خراسان که طبرستان و گیلان نیز جزء حوزه حکومتی او بود، عهدنامه‌ای بست شامل این موارد: پرداخت جزیه‌ای به مبلغ پانصد هزار درهم، از نوع درهم‌هایی که در حوزه‌ی حکومتی فرخان متداول بود، تأمین امنیت جاده‌ها و جلوگیری از حملات دزدان و راهزنان به مسلمانانی که در این مناطق رفت‌وآمد داشتند، عدم پناهندگی به مسلمانان یاغی و فراری و عدم تماس با دشمنان مسلمانان و خیانت. (طبری، ۴/۱۳۸۷، ۱۵۳) در مقابل مسلمانان نیز تعهد کردند جان و مال ایرانیان را تأمین کنند و آن‌ها را مورد تهاجم قرار ندهند و نباید بی‌اجازه فرخان، وارد قلمرو حکومتی او شوند. در این عهدنامه خودمختاری فرخان سپهبد خراسان که آن موقع طبرستان زیر نظر او اداره می‌شد و ضرب درهم‌هایی که در منطقه‌ی حکومتیش رواج داشت به خوبی مشاهده می‌گردد. (همان، ۱۳۷۹، ۹۱) به خوبی از مفاد این عهدنامه بر می‌آید که مسلمانان در مناطق شمالی ایران با توجه به ساختار جغرافیایی منطقه که متشکل از جنگل و کوه و رودهای بزرگ و دژهای استوار بود (یعقوبی، ۱۴۲۲، ۹۱) با مقاومت و حملات گاه و بیگاه راهزنان و دزدها و زحماتی که برای آن‌ها ایجاد می‌کردند، مواجه می‌شدند، زیرا این مناطق به صورت پناهگاهی برای ایرانیانی درآمد که به زندگی قدیمی ایرانی پایبند بودند و بدین سبب، راه قدیم به سوی آسیای میانه در این قسمت تا مدت‌ها به مخاطره افتاد بطوری که ناگزیر می‌بایست عبور و مرور از راه بیراهه‌ی بسیار طولانی‌تری انجام گیرد (اشپولر، ۳۰/۱۳۷۹) از مفاد عهدنامه بر می‌آید که از خود مسلمانان نیز، عده‌ای بنای ناسازگاری و سرکشی گذاشته و در پی پناهندگی به سران و بزرگان این مناطق برآمدند.

معاهده‌ی موقان (مغان) ۲۲ هجری

موقان ولایتی بود در آذربایجان (قزوینی ۱۳۷۳، ۶۴۵) که توسط بکیربن عبدالله فتح شد. وی از طرف مسلمانان تعهد کرد که دارایی، جان و آیین‌های مردم موقان در

امان باشد. در برابر آن، هر فرد ایرانی بالغ، باید یک دینار یا معادل قیمت آن به عنوان جزیه بپردازد. این رقم محدود نشانگر مماشات اعراب مسلمان با اهالی بی-بضاعت این مناطق بود. در عوض مردم مغان بایستی هدایت مسلمانان در راه‌ها را بعهده گرفته، یک شبانه‌روز از آن‌ها پذیرایی کنند و افرادی را که پیمان می‌شکستند به مسلمانان تحویل دهند. (طبری، ۱۳۸۷، ۴/۱۵۷)

معاهده‌ی مروالروء ۲۲ هجری

ایالت خراسان در دوره اعراب به چهار قسمت تقسیم می‌شد: نیشابور، مرو، هرات و بلخ که چهار شهر بزرگ ایالت بودند. (لسترنج، ۱۳۸۳، ۴۰۸) کنارنک والی خراسان در خلافت عثمان به عبدالله بن عامر حاکم بصره و سعید بن عاص حاکم کوفه نامه نوشت و آن‌ها را به خراسان فراخوانده، وعده پیروزی داد. (حاکم نیشابوری، ۱۳۷۵، ۲۰۲) کنارنک با قبول پرداخت خراج ابرشهر یعنی نیشابور و طوس به میزان هفتصد هزار درهم به مسلمانان با آن‌ها عهدنامه‌ی صلح بست. (طبری، ۴/۱۳۸۷، ۳۰۱)

به نظر می‌رسد مسلمانان هر چه از لحاظ زمانی از دوره خلافت عمر، و از لحاظ مکانی، به نقاط دورتر از محل اصلی خود یعنی شبه جزیره گام می‌نهادند، خواسته-های آنان تغییر کرده و این تغییرات را در مفاد عهدنامه‌هایی که با ایرانیان ساکن آن مناطق مثل مروالروء، بسته شد به خوبی مشاهده می‌شود. شرایط صلح که مورد قبول هر دو گروه قرار گرفت عبارت بود از پرداخت خراج به صورت جزیه و مالیات خراج، دادن زمین برای سکونت مسلمانان و تعهد ایرانیان بر تهیه‌ی ملزومات جنگی و سرباز برای مسلمانان. (همان، ۱۳۸۷، ۴/۳۱۰-۳۱۱)

از مضمون این عهدنامه می‌توان نقاط اختلاف آن‌ها با عهدنامه‌های قبلی را مشخص کرد. در این عهدنامه‌ها، نوع همکاری و انتظار مسلمانان از ایرانیان نیز تغییر می‌کند. مسلمانان بعد از چند سال ورود به ایران و آشنایی نسبی با این منطقه که دارای امکانات بهتر و شرایط زندگی مناسب‌تری از سایر مناطق بود خواهان سکونت در ایران بودند. همانطور که در آذربایجان به این مهم دست زدند. شرط تسهیل سکونت مسلمانان (از تهیه جو و گندم و حیوانات مزارع گرفته تا فضای مسکونی کافی همراه

غلامان و...) در صلحنامه‌های مربوط به شهرهای خراسان قابل مشاهده است. (چوکسی، ۱۳۸۱، ۴۰) به دلیل وجود همین شرایط مساعد و مناسب، اعراب به صورت قبیله‌ای به ایران مهاجرت کرده و در شهرهای خراسان مستقر شدند. هدف آن‌ها از این سکونت، ادامه جنگ با کفار در نقاط دوردست شرقی و نیز استفاده از امکانات مالی موجود در این مناطق بود. (جعفریان، ۱۳۸۱، ۱۵۴) البته خراسان و قومس بیش از نقاط دیگر، توجه عرب را برانگیخت (شیخ نوری، ۱۳۸۸، ۱۷۱) زیرا ویژگی‌های جغرافیایی خراسان بیش از نقاط دیگر، با شیوه زندگی عرب هماهنگی داشت. عرب به کمک شتر خود به خوبی می‌توانست در بیابان‌های اطراف خراسان، رفت‌وآمد کند.

معاهده‌ی سیستان سال ۳۰ هجری

مسلمانان در ادامه فتوحات خود به سمت شرق ایران پس از تسخیر کرمان و نواحی اطراف آن، به طرف سیستان حرکت کرده و در پی تصرف آن جا برآمدند. عبدالله-بن‌عمر به قصد تسخیر سیستان وارد این منطقه شد و نواحی زیادی را فتح کرد. اهالی سیستان در شرایطی که مقاومت را بیهوده دیدند، خواستار صلح شدند. در پی آن ابن‌عمر، نماینده‌ی خود ربیع‌بن‌زیاد را برای انعقاد عهدنامه صلح فرستاد. نماینده‌ی سیستان برای بستن پیمان صلح، ایران‌بن‌رستم شاه سیستان بود. در این پیمان‌نامه شرط شد که دشت‌های سیستان قرق و محافظت شده بماند و ساکنین آن هزار هزار درهم خراج برای آن سال پرداخته و هزار غلام بدهند. (طبری، ۱۳۸۷، ۱۸۱/۴-۱۸۲) اهمیت فتح سیستان برای مسلمانان در خور اعتناست زیرا سیستان سرزمینی حاصلخیز بود با محصولات متنوع و پرباری چون انگور و خرما و... (اصطخری، ۲۰۰۴، ۲۴۰ و ابن‌حوقل، ۱۹۳۸، ۳۰۱) همانطور که در معاهده‌ی طبرستان ذکر شد راه شمالی به خراسان که از قزوین، ری و دامغان می‌گذشت بواسطه تاخت و تازهای دیلمیان و دیگر کوه‌نشینان البرز و نواحی کرانه‌های دریای خزر، برای اعراب ناامن و خطرناک شده بود (شیخ نوری، ۱۳۸۸، ۱۶۱) لذا اعراب مسلمان بایستی راهی جدید جایگزین مسیر قبلی می‌کردند. بنابراین نواحی جنوبی و شرقی ایران در سده‌ی اول فتوحات اسلامی از اهمیت سوق الجیشی برخوردار

شد و جابجایی سپاه از عراق به خراسان، عموماً از راه اهواز، فارس، کرمان و قهستان انجام می‌گرفت. (همان، ۱۳۸۸، ۱۶۱) و امنیت این مناطق که سیستان هم جزو آن بود مورد توجه اعراب قرار گرفت.

نتیجه‌گیری

از همان آغاز فتوحات در ایران، مسلمانان با طرح سه گزینه پیشنهادی، مردم مناطق مورد هجوم را با چالشی سخت، مواجه می‌کردند. مسلمان شدن، پرداخت جزیه و جنگ. در بررسی متون تاریخی، ما به این نتیجه می‌رسیم که علی‌رغم گزینه قبول اسلام و قرارگرفتن در زمره‌ی مسلمانان و داشتن حقوق مساوی با آن‌ها، بیشتر با تسلیم ایرانیان و قبول جزیه و مقاومت و جنگ با سپاه مسلمانان، روبرو هستیم. با پذیرش شرط پرداخت جزیه، قراردادی بین سران و افراد بانفوذ ایرانی مناطق مفتوحه با فرماندهی سپاه مسلمانان بسته می‌شد و آن ناحیه، از حملات مسلمانان در امان می‌ماند. بررسی این‌گونه قراردادها، نشان می‌دهد که بسته به موقعیت سیاسی، اقتصادی، مذهبی، میزان نفوس و مناطق برخوردار یا کمتر برخوردار، متن عهدنامه‌ها با هم متفاوت بوده‌است. معمولاً عهدنامه‌هایی که در مناطقی با جمعیت زیاد و با کشاورزی پویا بسته می‌شد، مقدار جزیه بیشتر از مناطقی بود که این شرایط را نداشتند و مردم مناطقی که به رسوم و آیین خود مقیدتر و حساس‌تر بودند در مفاد قراردادها، ایرانیان حتماً گزینه‌ای درباره حفظ دین و آداب و رسوم به مسلمانان تحمیل می‌کردند. در مناطقی که خود پیشقدم صلح می‌شدند معمولاً امتیازات بیشتری چون ابقای حاکم ناحیه در مقام خود، انتصاب عامل خراج از بین ایرانیان، مقدار خراج کمتر و... از مسلمانان دریافت می‌کردند. این‌گونه امتیازات در نواحی که مقابل مسلمانان ایستادگی و مقاومت کرده، با جنگ گشوده می‌شدند یا وجود نداشت یا به کمترین حد خود می‌رسید.

منابع و مأخذ

- ابن‌اثیر، علی بن محمد. (۱۳۸۵ق/۱۹۶۵م). الکامل فی التاریخ. بیروت: دارصادر- داربیروت.

- ابن اعثم، احمد. (۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م). الفتوح. بیروت: دارالاضواء.
- ابن حوقل، ابوالقاسم محمد. (۱۹۳۸م). صوره الارض. بیروت: دارصادر، افست لیدن.
- ابن خردادبه، ابوالقاسم عبیدالله. (۱۸۸۹م). المسالك و الممالک. بیروت: دارصادر، افست لیدن.
- ابن فقیه، ابوعبدالله احمد بن محمد. (۱۴۱۶ق/۱۹۹۶م). البلدان. بیروت: عالم الکتب.
- اشپولر، برتولد. (۱۳۷۹ش). تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی (جلد ۱، ترجمه جواد فلاطوری). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم. (۲۰۰۴م). مسالك الممالک. بیروت: دارصادر، افست لیدن.
- بلاذری، ابوالحسن احمد. (۱۹۸۸م). فتوح البلدان. بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- بی‌نام. (۱۳۶۶ش). تاریخ سیستان (تحقیق ملک‌الشعراى بهار). تهران: کلاله خاور.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۱ش). تاریخ ایران اسلامی. تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۹ش). تاریخ خلفا از رحلت پیامبر (ص) تا زوال امویان. قم: انتشارات دلیل ما.
- جواد علی. (۱۹۹۳م). المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام. بغداد: مکتبه النهضه العربیه.
- گرشاسپ چوکسی، جمشید. (۱۳۸۱ش). ستیز و سازش (ترجمه نادر میرسعیدی). تهران: انتشارات ققنوس.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین عبدالله. (۱۳۷۵ش). جغرافیای حافظ ابرو. تهران: میراث مکتوب.
- حاکم نیشابوری، ابوعبدالله. (۱۳۷۵ش). تاریخ نیشابور. تهران: نشر آگه.
- حموی، شهاب‌الدین ابوعبدالله. (۱۹۹۵م). معجم البلدان. بیروت: دارصادر.

- حمیدالله، محمد. (۱۳۷۷ش). نامه‌ها و پیمان‌های سیاسی حضرت محمد (ص) و اسناد صدر اسلام. تهران: سروش.
- خرمی، مصطفی. (۱۳۹۳ش). نقد و بررسی رفتارهای سیاسی و اجتماعی فاتحان مسلمان در قرن اول هجری. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).
- خلیفه بن خیاط، ابوعمر. (۱۴۱۵ق/۱۹۹۵م). تاریخ خلیفه. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود. (۱۳۶۸ش). الاخبار الطوال (تحقیق عبدالمنعم عامر). قم: منشورات الرضی.
- شیخ نوری، محمد امیر. (۱۳۸۸ش). تاریخ اسلام در آسیای مرکزی تا حمله مغول. تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. (۱۳۸۷ق/۱۹۶۷م). تاریخ الامم و الملوک. بیروت: دارالتراث.
- قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود. (۱۳۷۳ش). آثار البلاد و اخبار العباد. تهران: امیرکبیر.
- قمی، حسن بن محمد. (۱۳۶۱ش). تاریخ قم (تحقیق سید جلال‌الدین تهرانی). تهران: توس.
- کریستین‌سن، آرتور. (۱۳۸۷ش). ایران در زمان ساسانیان (ترجمه رشید یاسمی). تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- لسترینج، گای. (۱۳۸۳ش). جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی (ترجمه محمود عرفان). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- لمبتون، ا. ک. س. (۱۳۶۲ش). مالک و زارع در ایران (ترجمه منوچهر امیری). تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسکویه، ابوعلی. (۱۳۷۹ش). تجارب الامم (تحقیق ابوالقاسم امامی). تهران: سروش.

- مقدسی، ابو عبدالله محمد بن احمد. (۱۴۱۱ق/۱۹۹۱م). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. قاهره: مکتبه مدبولی.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۴۲۲ق). البلدان. بیروت: دارالکتب العلمیه.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (بی تا). تاریخ الیعقوبی. بیروت: دارصادر.
- ترکمنی آذر، پروین. (۱۳۸۷). تحلیلی بر قراردادهای صلح مسلمانان با ایرانیان. فرهنگ ویژه تاریخ، ۶۸.
- دهقان پور، زهره، و معصومی، محسن. (۱۳۹۱). نقش ایرانیان در فتح ایران به دست اعراب، از آغاز تا پایان سده نخست هجری قمری. مطالعات تاریخ اسلام، (۲)۴.
- صفری فروشانی، نعمت‌الله. (۱۳۷۹). درآمدی بر صلح‌نامه‌های مسلمانان با ایرانیان در آغاز فتح ایران. فصلنامه تاریخ اسلام، (۲)۱.
- معصومی، محسن، بیاتلو، حسین، و نورمحمدی، محمد. (۱۳۹۶). انگیزه‌های اقتصادی و دینی ایرانیان در مصالحه با عرب‌ها در قرن نخست بر اساس عهدنامه‌ها (رویکرد مقایسه‌ای). پژوهش‌نامه تاریخ اسلام، (۲۵)۷.